



## قاتل: گرسنه بودم

**مأمور قلابی اداره گاز که متهم است مرد سالخورده‌ای را به قتل رسانده حادثه را شرح داد.**

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه یکم اردیبهشت ماه مأموران کلانتری سنایی در جریان یک درگیری خونین قرار گرفتند و بلافاصله به محل حادثه که در کوچه‌رفشیدخیابان ولیعصر بود، اعزام شدند. وقتی مأموران به محل درگیری رسیدند مرد جوانی با لباس خون آلود را دیدند که با مرد دیگری درگیر است اما به محض مشاهده مأموران با فرار گناشت. مأموران موفق شدند او را دستگیر کنند و در بازرسی از او یک چاقوی آغشته به خون هم کشف شد. شاهدان گفتند این مرد را دیدیم که از طبقه چهارم مجتمع مسکونی بیرون آمد. وقتی مأموران به داخل خانه رفتند با جسد مرد ۷۰ ساله‌ای به‌نام ابراهیم روبه‌رو شدند که با دهها ضربه چاقو به ناحیه گردن و پهلو، به قتل رسیده بود. پس از تشکیل پرونده به دستور قاضی بستان‌زاده، شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۷ تهران متهم در اختیار اداره دهم ویژه قتل آگاهی قرار گرفت.

متهم محفل ۲۸- ساله در بازجویی‌ها گفت: یکی از دوستانم به‌نام اشکان پیرمرد را آکنشته‌است و من بی‌گناه هستم. او مدعی شد همراه اشکان به خانه مقتول رفتم. اشکان برای او تریاک برده بود که ناگهان با هم درگیر شدند و او را با چاقو زد من هم از ترس قصد فرار داشتم که دستگیر شدم اما اشکان فرار کرد. پس از اظهارات متهم کار آگاهان در تحقیق از خواهر و خواهرزاده مقتول در یافتند که او به هیچ ماده مخدری اعتیاد نداشته همچنین بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته داخل خیابان و چند سوپر مارکت نیز نشان داد بر خلاف ادعای متهم که به مأموران گفت اشکان فرار کرد هیچ تصویری از فرار در دوربین ضبط نشده‌است.

با وجود اظهارات ضد و نقیض متهم، کار آگاهان خانه اشکان را در ساعات آید شناسایی و او را بازداشت کردند. اشکان در اظهاراتش گفت: محمد یکی از دوستان من است اما حدود ۱۰ سال است که از او خبری ندارم و با هم از ارتباطی نداشته‌ام. ماجرای قتل هم خبری ندارم. کار آگاهان این دو نفر را با هم مواجه کردند و پس از روبه‌رو شدن با یکدیگر سرانجام محمد روز گذشته با کذب بودن تمام اظهاراتش اعتراض کرد و گفت خودم به تنهایی مر تکتب قتل شدم. محمد که دارای دو سابقه دستگیری به اتهام سرقت است، در ادامه بازجویی‌ها اعتراض کرد. حدود شش سال است که همسرم از من جدا شده و در این مدت هیچ خبری از سرنوشت او و فرزندم ندارم. از حدود سه ماه پیش شش‌بهارا در خوینگاه روبه‌روی خانه مقتول در خیابان ولیعصر می‌گذرانم تا اینکه مدیر خویگاه متوجه سرقت وسایل شخصی افراد داخل خویگاه توسط من شد و سی ام فروردین مرا از آنجا برید. من متهم ادامه داد: در این مدت که به خویگاه می‌رفتم متوجه شدم چند واحد مسکونی در مجتمع روبه‌روی خویگاه خالی است و در طبقه چهارم پیرمردی تنها زندگی می‌کنند و هر طبقه سوم هم یک پیرزن با پسرش زندگی می‌کنند. هممن شب که اخراج شدم به بهانه مأمور اداره گاز وارد ساختمان شدم و خودم را به طبقه پنجم رساندم و همانجا خوابیدم. دو شب در طبقه پنجم به صورت مخفیانه ماندم. شب حادثه برای برداشتن مواد غذایی به داخل خانه مقتول رفتم بودم که جلوی در آپارتمان با مقتول روبه‌رو شدم، او شروع به داد و فریاد کرد و به من حسیبیت تا مانع از فرارم شوم.

من هم با چاقویی که داشتم چند ضربه به گردن و پهلو ی پیرمرد زدم. وقتی روی زمین افتاد فرار کردم که هنگام خروج از ساختمان با یک مرد جوان درگیر شدم تا اینکه مأموران سر رسیدند و مرا دستگیر کردند. سرهنگ کار آگاه آری حاجی‌زاده معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با اشاره به اعتراف متهم به قتل پیرمرد گفت: متهم با فرار بازداشت موقت برای تحقیقات تکمیلی در اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفته‌است.

### خارج از مدار

### حبس ابد مجازات ناخدای خطاکار

دادگاه استیناف کره جنوبی روز سه‌شنبه ناخدای یک کشتی را که یک سال پیش غرق و به کشته شدن ۳۰۴ نفر منجر شد، مجرم شناخت و مجازات او را به حبس ابد افزایش داد.

دادگاهی بندوی در شهر گوانگجو «لسی جون- سئوک» را در مورد اتهام قتل سرنشینان کشتی تیره و در عوض به جرم اهمال و کوتاهی وی را به ۲۶ سال زندان محکوم کرده بود. بیشتر قربانیان حادثه غرق شدن کشتی، دانش آموزان دبیرستانی بودند که در اردو به سر می‌بردند. خانواده‌های قربانیان از خواستند در مورد جرم قتل سرنشینان کشتی در جلسه دادگاه تجدیدنظر، داستان آن دادگاه بخوانستند در حالی که متهم قتل سرنشینان کشتی بازنگری کند. آنها همچنین اعلام کردند ناخدای کشتی باید اعدام شود، چراکه با وجود آگاهی از اینکه مسافران جان خود را از دست خواهند داد، آنها را به حال خود رها کرده بود. خبرگزاری یونهاپ به استناد به حکم دادگاه تجدینظر اعلام کرد: «عملکرد غیر مسئولانه ناخدای جون- سئوک- منجر به مرگ دانش آموزان شد و ضربه روحی شدیدی به خانواده‌های آنان وارد کرد. عملکرد آنان که موجب خنده‌دار شدن وجهه کشور ما شد، به هیچ عنوان قابل بخشش نیست.»
شازدهم آوریل سال گذشته، این کشتی که حامل ۲۶۶ سرنشین بود، در آبهای جزیره جیندو واقع در جنوب غربی کره جنوبی غرق شد. ۲۵۰ نفر از ۳۰۴ قربانی این حادثه، دانش آموزان یک دبیرستان بودند.

## حجوات

سرویس حوادث، ۸۸۹۹۸۴۳۵

**آدم‌بای ۳ میلیارد تومانی در گفت‌وگو با «جوان»:**

# باگروگانمان منچ بازی می‌کردیم



**در ۶۰ سالگی دست به گروگانگیری ۳ میلیارد تومانی زده اما می‌گوید حالا که گرفتار شده از کاری که کرده پشیمان است. خودش می‌گوید کینه از پدر بزرگ کودک ۱۴ساله انگیزه‌ای شد تا دست به این کار بزند. ساعت هشت صبح روز شنبه، پنجم اردیبهشت بود که پدر امیر حسین به پلیس خبر داد که افراد ناشناسی پسرش را به گروگان گرفته و در خواست ۳ میلیارد تومان پول کرده‌اند. پرونده زیر نظر قاضی محمدشهریاری، سرپرست دادسرای امور جنایی به سرعت دنبال و مرد آدم‌بای که با همدستی پسر و یکی از دوستانش دست به این کار زده بود، دستگیر شد. تحقیقات از متهمان به دستور قاضی مدیروستا، بازپرس ویژه قتل دادسرای جنایی از سوی کار آگاهان ادامه دارد. گفت‌وگوی ما با متهم در ادامه می‌آید.**

### خودت را معرفی کن؟

مرد هستم ۶۰ساله.

### قبلاً چه کاره بودی؟

معلم بودم. چند سال پیش بازنشسته شدم.

### خانواده امیر حسین را می‌شناختی؟

بله، از ۱۵ سال قبل با پدربزرگش در کار خرید و فروش آهن همکاری داشتم.

### چه شد که نوه‌اش را ربودی و در خواست ۳ میلیارد تومان پول کردی؟

علت آدم‌ربایی به چندین سال پیش بر می‌گردد. ۱۵ سال قبل معلم خصوصی پسری بودم. پدرش مردی پولدار و از دوستان پدر بزرگ امیرحسین بود. از آنجایی که من در هفته چند روز بیکار بودم، مرا به بیکاری کارهای اداری آنها را انجام بدهم. بعد از اینکه قرارداد کار بستم، شروع به کار کردم و او هم دستمزد مرا پرداخت می‌کرد تا اینکه چند سال بعد در خرید و فروش مقدار زیادی لوله، مرا شریک کردند. قرار شد من معامله را در یکی از شهرهای جنوبی انجام دهم و محموله را به تهران منتقل کنم و درصدی به عنوان شراکت دریافت کنم. چند روز بعد از اینکه معامله انجام شد، ناگهان قیمت لوله چندین برابر شد و سهم من حدود یک میلیارد و ۳۸۰ میلیون تومان شد. وقتی سهمم را در خواست کردم، او فقط حقوق ماهانه مرا پرداخت کرد و گفت سهمی ندارم. از آن روز به بعد از محل کار بیرون آمدم و دنبال فرصتی بودم که پولم را بگیرم.

### پس چرا بعد از آدم‌ربایی در خواست ۳میلیارد تومان کردی؟

راستش من اصلاً هدفم از آدم‌ربایی اخاذی نبود فقط می‌خواستم انتقام زجری را که چهار سال قبل به من داد و خانواده‌ام داده بود، بگیرم.

### چه انتقامی؟

پس از اختلاف با پدربزرگ امیرحسین من چندین بار از او خواستم تا حقم را بدهد اما او نداد تا اینکه مأمور پلیسی احضار به‌ای را به در خانه ما آورد که نوشته بود تا ۷۲ ساعت دیگر خوددت را به قسمت پلیس جنایی پایتخت معرفی کن. در این ۷۲ ساعت من و خانواده‌ام خیلی زجر کشیدیم و زندگی‌مان تیره و تار شد و هزار فکر کردیم که چی شده پلیس جنایی من را احضار کرده است. وقتی به اداره آگاهی رفتم فهمیدم پدر بزرگ امیرحسین از من به اتهام تهدید به قتل شکایت کرده است.

### کمی درباره‌روز حادثه توضیح بده؟

مدتی قبل از آدم‌ربایی محل رفت و آمد و مدرسه امیرحسین را تحت نظر گرفتم. حتی با توجه به اینکه معلم بازنشسته بودم چندین بار به مدرسه امیرحسین رفتم و با مسئولان و معلمان درباره ساعت کلاس‌ها و تعطیلات حرف زدم تا اینکه تصمیم گرفتم او را از جلوی خانه‌شان برابم. روز حادثه امیرحسین منتظر سرویس بود که با خودروی زلتیا کنارش نگه داشتم. پس از آن که سرویسش خراب است و پدرش گفته ما او را به مدرسه ببریم، او هم قبول کرد و سوار خودرو شد. بعد از این به طرف گرمسار که آپارتمانی را ساختم، حرکت کردم.

### امیرحسین اعتراض نکرد؟

نه باو خیلی خوش‌رفتاری کردم و با هم منچ بازی می‌کردیم. به او گفتم که چند روزی پیش ما می‌ماند تا پدرش بیاید دنبالش. حتی او را به پارک بردم و هر غذایی که دوست داشتش برایش می‌خریدم.

### چندساعت امیرحسین پیش شما بود؟

۵۰ ساعت تا اینکه دستگیر شدیم.

### در این ۵۰ساعت بهانه پدر و مادرش را

### نمی‌گرفت؟

نه، گفتم که به او خیلی خوش می‌گذشت. حتی به من می‌گفت عمو. دوست داشت هر وقت مدرسه‌اش تعطیل شد پیش ما بیاید.

### امیرحسین گفته بود که او را به قزوین برده‌اید؟

ما از آزادگان رفتم و تابلو کرج را به او نشان دادیم تا فریبش دهیم و وقتی به گرمسار رسیدیم به او گفتمش که قزوین است. قصد داشتم بعد از اینکه آزادش کردیم، دستمان روشن شود.

### اگر روزی به تو می‌گفتند پسررت را گروگان گرفته‌اند، چه احساسی داشتی؟

حتماً نگران می‌شدم. پسرم در پنج سالگی چهار ساعت گم شد. این چهار ساعت به اندازه ۴۰ سال سختی به من و همسران گذشت.

### پس چرا دست به این کار زدی؟

اشتباه کردم. اگر می‌توانستم عاقبت این کار را ببینم حتماً به این کار دست نمی‌زدم. کسانی که مثل من دچار گرفتاری می‌شوند نمی‌توانند عاقبت کاری را که انجام می‌دهند، ببینند اما وقتی گرفتار می‌شوند آن وقت می‌فهمند که مرتکب چه خطایی شده‌اند.

### چگونه دستگیر شدی؟

یک روز بعد از آدم‌ربایی وقتی راننده‌ام فهمید که امکان دارد پولسی گیرش نیاید به تهران برگشت و گفت بعد از این من نیستم. روز دستگیری امیرحسین را سوار خودرو کردم و به طرف دهکده امیرحسین آمدم تا راننده‌ام را که در آن حوالی زندگی می‌کند، پیدا کنم. قصد داشتم امیرحسین را به خانواده‌اش بر گردانم. چون احساس می‌کردم آنها به اندازه کافی زجر کشیده‌اند اما ناگهان کار آگاهان مرا انفالگیر و دستگیر کردند.

## دفن جسد زن میانسال در باغ فشم

**مردی که متهم است بعد از قتل زن میانسال جسدش را در یکی از باغ‌های فشم دفن کرده بازداشت شد و به جرم خودش اقرار کرد.**
به گزارش خبرنگار ما، روز یک شنبه ۳۰ فروردین ماه پسر جوانی به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن ناگهانی مادرش خبر داد. وی گفت: چند سال قبل پدرم فوت شد و من و مادرم در خانه‌مان حوالی شهرک کاروان زندگی می‌کنیم. مادرم ثریا مدتی است بیماری تنفسی دارد به همین خاطر دیروز برای رفتن به بیمارستان کاشانی از خانه خارج شد و دیگر برنگشت.

پس از طول این شکایات پرونده به دستور قاضی مدیروستا، بازپرس ویژه قتل تهران در اختیار تیمی از کار آگاهان مبارزه با آدم‌ربایی پلیس آگاهی قرار گرفت.



**مردی که متهم است بعد از قتل زن میانسال جسدش را در یکی از باغ‌های فشم دفن کرده بازداشت شد و به جرم خودش اقرار کرد.**

به گزارش خبرنگار ما، روز یک شنبه ۳۰ فروردین ماه پسر جوانی به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن ناگهانی مادرش خبر داد. وی گفت: چند سال قبل پدرم فوت شد و من و مادرم در خانه‌مان حوالی شهرک کاروان زندگی می‌کنیم. مادرم ثریا مدتی است بیماری تنفسی دارد به همین خاطر دیروز برای رفتن به بیمارستان کاشانی از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. پس از طول این شکایات پرونده به دستور قاضی مدیروستا، بازپرس ویژه قتل تهران در اختیار تیمی از کار آگاهان مبارزه با آدم‌ربایی پلیس آگاهی قرار گرفت.

# قتل مرد پولدار بعد از خرید ۳۰ هزار دلار

به کشف مقتول شلیک شده‌است. تحقیقات بیشتر نشان داد مقتول مردی دوزنه است که از مدتی قبل با همسر دومش در این خانه زندگی می‌کند اما چند ماهی است که او از خانه قهر کرده‌است. از سوی دیگر مشخص شد مرد پولدار در کار خرید و فروش خودرو است و ساعتی قبل از صرافی کارین ۳۰ هزار دلار معادل ۱۰۰ میلیون تومان خرید کرده بود.

### تحقیق از شاهد ماجرا

مردی که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: من مدیر صرافی کارین هستم و مغازه‌ام در خیابان دولت است. در چند روز گذشته مردی مدام تماس می‌گرفت و قیمت دلار را می‌پرسید. آن مرد گفت قصد دارد ۱۰۰ میلیون تومان دلار خرید کند. ساعتی قبل هم تماس گرفت و سفارش ۳۰ هزار دلار داد و خواست دلارها را با بیک به آدرس خانه‌اش در سعادت آباد بفرستم. قرار شد بیک صرافی همراه دلارها کارتخوان مغازه را با خودش ببرد و وی مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان را بعد از تحویل دلارها، کارت به کارت کند. پس از این من ۲۰ هزار دلار را به همراه دستگاه کارتخوان به بیک صرافی دادم و به آدرس داده شده، فرستادم تا اینکه لحظاتی قبل بیک صرافی تماس گرفت و این حادثه

نخستین تحقیقات نشان داد ثریا روز حادثه با مردی به نام قباد که از بستگان نزدیکشان است، قرار ملاقات داشته است. پسر زن گمشده هم در تحقیقات بعدی گفت: قباد شوهر عموام است. او بعد از فوت پدرم به خانه ما رفت و آمد داشت. روز حادثه مادرم فرار بود بعد از بیمارستان به خیاطی قباد برود و با او حرف بزند. پس از این مأموران پلیس از قباد به عنوان مظنون حادثه تحقیق کردند. وی در ادعایی گفت: من خیاط هستم و روز حادثه ثریا قرار بود به مغازه من بیاید اما به او گفتم که مغازه بسته است و روز دیگری او را می‌بینم که ناپدید شد. در حالی که تحقیقات و شواهد نشان می‌داد زن گمشده روز حادثه با قباد دیده شده است، مأموران پلیس وی را دوباره مورد بازجویی تخصصی قرار دادند.

### مرگ مشکوک تکنیسین بیمارستان امام سجاد تهران

**یکی از تکنیسین‌های اتاق عمل بیمارستان امام سجاد تهران به طور مرموزی در رختکن بانوان فوت شد.**
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۹ هفتم اردیبهشت ماه مرگ مشکوک این زن ۳۴ ساله به مأموران کلانتری یوسف آباد گزارش شد. بررسی‌ها با فرار حضور مأموران پلیس و قاضی حسین‌پور، بازپرس ویژه قتل در طبقه پنجم ساختمان مشخص شد که زن جوان داخل سرویس بهداشتی رختکن بانوان فوت شده است.

تیم جنایی کنار جسد، سرنگ تزریق شده‌ای را هم کشف کردند. همکاران این زن گفتند در اتاق عمل منتظر همکارمان بودیم که از او خبر نشد. همه جای بیمارستان را به دنبالش گشتیم تا اینکه متوجه شدیم داخل سرویس بهداشتی است. آنجا که احتمال می‌دادیم اتفاق بدی برایش افتاده باشد، در را شکستیم و با پیکر بی‌جان او مواجه شدیم. به سرعت وی را به اتاق عمل منتقل کردیم اما بررسی‌هایمان نشان داد که او دقایقی پیش فوت کرده است. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی اعلام کرد که فرضیه قتل در پرونده منتهی است.

### پاسخ خونین

### به رد شدن جواب خواستگاری

**پسر جوانی که متهم است والدین دختر مورد علاقه‌اش را در شهرضای اصفهان به قتل رسانده بازداشت شد و به جرم خودش اقرار کرد.**

به گزارش خبرنگار مسا، صبح روز یک‌شنبه مأموران پلیس آگاهی اصفهان از قتل زوج میانسالی در خانه‌شان باخبر و در محل حاضر شدند. تحقیقات بعد از حضور تیم جنایی در محل حادثه نشان داد که دو مقتول برائ اصابت ضرات چاقو فوت شده‌اند. دختر خانواده که پلیس را از ماجرا باخبر کرده بود، گفت: عامل حادثه پسر عموام می‌باشد که بعد از حادثه از محل گریخت. هم‌زمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی کار آگاهان پلیس آگاهی دست به تحقیق زدند و موفق شدند پسر ۲۱ ساله را بازداشت کنند. او در اولین بازجویی‌ها به ارتکاب دو قتل اقرار کرد و در توضیح ماجرا گفت مسن از دوران کودکی و به دنبال فوت مادرم در خانه دایی‌ام-مقتول- زندگی می‌کردم. در این مدت به دختر دایی‌ام علاقه‌مند شدم و او را خواستگاری کردم. دایی و زن دایی‌ام اما با در خواست من مخالفت کردند به خاطر همین کینه آنها را به دل گرفته و تصمیم به انتقام گرفتم. صبح روز حادثه وقتی از خواب بیدار شدم با چاقو بر بالین دایی‌ام رفتم و ابتدا او را با ضرات چاقو کشتم. بعد از آن، هنگام ترک خانه زن دایی‌را هم کشتم و گریختم.

سرهنگ روح‌لله رضایی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی شهرضا گفت: تحقیقات بیشتر از متهم که به مصرف مواد مخدر اعتیاد دار، ادامه دارد.

### در خواست طلاق به خاطر درد دل

### با دوست صمیمی

**درد دل مرد جوان با دوست صمیمی‌اش برایش دردسرساز شد و پای او را به دادگاه خانواده باز کرد.**
به گزارش باشگاه خبرنگاران، چندی پیش زن جوانی با مراجعه به دادگاه خانواده در خواست طلاق داد و در خصوص علت آن به قاضی گفت: چند روز پیش وقتی شوهرم داشت با دوست صمیمی‌اش صحبت می‌کرد از حرف هایش متوجه شدم که قصد دارد از من جدا شود. از شنیدن آن حرف‌ها انقدر شوکه شدم که اصلاً باورم نمی‌شد.

زن جوان ادامه داد: شوهرم داشت به دوستش می‌گفت که دیگر نمی‌تواند در کنار من زندگی کند و می‌خواهد هر چه زودتر در خواست طلاق بدهد. او گفت که از رفتارهای من خسته شده و به فکر جدایی افتاده است.

وی افزود: وقتی حرف‌هایش را شنیدم اول تصمیم گرفتم که با او صحبت کنم و دلیل حرف‌هایش را ببرم. ولی بعد پشیمان شدم و با خودم گفتم حالا که شوهرم از من خسته شده صحبت کردن هم فایده‌ای ندارد و باید خودم دست به کار شوم. من تصمیم گرفتم قبل از شوهرم در خواست طلاق بدهم و کار او را آسانتر کنم. بعد از صحبت‌های این زن، قاضی شوهر وی را نیز به دادگاه احضار کرد تا صحبت‌های او را هم بشنود.

### گودرداری غیر اصولی خانه‌ای را ویران کرد

گودرداری غیر اصولی برای ساخت ساختمانی در خیابان سه‌رودی، ساختمان همسایه را ویران کرد.
این حادثه ساعت ۲۱:۳۲ شامگاه دوشنبه در خیابان سه‌رودی، خیابان اندیشه سه اتفاق افتاد و امدادگران در محل حاضر شدند.

محمدرضا کیلی، معاون عملیات منطقه شش آتش‌نشانی گفت: محل حادثه یک ساختمان سه طبقه قدیمی، در مجاورت یک زمین گود برداری شده بود. هم‌زمان با حضور امدادگران بود که بخشی از دیوار ساختمان قدیمی فرو ریخت و با حضور عوامل اداره گاز و آب و انجام قطع انشعابات این خانه، از خروج گاز و آب جلوگیری شد.



### کشت مأمور به دست آمر قانونی

کسی که مرتکب قتل می‌شود، مستوجب قصاص است اما بعضی اوقات به علت وجود قانون دیگری، صفت مجرمانه بودن را از دست می‌دهد و باعث می‌شود مرتکب از مجازات معاف شود. یکی از این موارد، قتل ناشی از تیراندازی مأمور به دستور آمر قانونی است که یکی از عوامل موجه جرم می‌باشد. بنابراین هر وقت ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی برای اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و موجب کشته شدن تخلفی از مقررات نکرده است، ضامن پرداخت دیه بمقتول نیست ولی اگر هر نظامی برخلاف مقررات اقدام به تیراندازی کند، عموماً جرم است و چنانچه باعث قتل یا جراحت عمده، به قصاص یا پرداخت دیه محکوم می‌شود. بنابراین افرادی که برای انجام مجازات مقرر شده در صورتی جرم نیستند که از تکاب عمل به دستور آمر قانونی بوده و خلاف شرع نباشد و برای اجرای قانون مهمم تر باشد.

دستور آمر قانونی از طرف مقام صلاحیتدار صادر می‌شود و باید دارای شرایط زیر باشد.

- دستور باید به طبق قانون باشد و اگر کسی عملی را بر طبق قانون انجام دهد، مرتکب جرمی نشده‌است.

- آمر قانونی باید در سلسله مراتب اداری، قانوناً حق صدور دستور به مأمور مورد نظر را داشته‌باشد و رابطه استخدا می و مافوق بودن از جهت مراتب اداری باید معلوم شود.

- دستور آمر قانونی باید کتبی و رسمی باشد و اگر مأموری بدون اجازه مافوق، عملی را انجام دهد، تعقیب و مجازات می‌شود. بنابراین اگر کسی محکوم به اعدام شده باشد، مأمور اجرای احکام نمی‌تواند اتمام به اعدام باشد، مگر اینکه دستور اجرای حکم به صورت کتبی و رسمی به او داده شود.

- دستور صادره باید در حدود شرح وظایفی باشد که مأمور طبق مقررات مزم به اجرای آن است و مأمور نیز باید طبق آموزش که به او داده شده رفتار کند.